

# ژاپن دروازه‌ها را نمی‌گشاید

نوشته: دکتر سعید رحیمی موقر

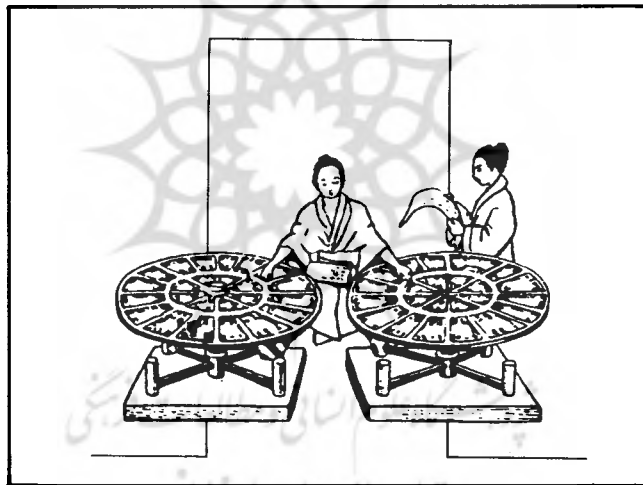
وارن کریستوفر وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا پس از سفر ماه گذشته خود به ژاپن گفته است که امکان دارد انجام تحریم‌های بازرگانی علیه ژاپن را کاهش دهیم، و این در حالیتی است که نامبرده پس از ۴ روز اقامت در ژاپن و انجام مذاکرات متعدد با مقامات ژاپنی، به هنگام ترک فرودگاه توکیو به مقصد پایتخت چین (پکن) اعلام کرد که این نشست هیچ‌گونه ارمغانی برای آمریکا نداشته است. او حتی در یکی از نشست‌هایش با مقامات ژاپنی، توکیو را عامل شکست مذاکرات تجاری فیما بین دو کشور دانسته و از مقامات ژاپنی صراحتاً خواسته بود که با ارائه راه حلی منطقی و عملی، زمینه مساعدی را برای تماس مقامات بازرگانی دو کشور فراهم آورند.

کش و قوسهای روزافزونی که باعث تیرگی روابط تجاری بین ژاپن و آمریکا شده، ریشه در بحرانهای اقتصادی موجود در آمریکا دارد. به طوری که مندرجات نشریه سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (O.E.C.D) نشان می‌دهد، کسری تراز پرداختهای خارجی آمریکا در سال ۱۹۹۳ رقمی در حدود ۱۰۷ میلیارد دلار است. براساس همین آمار مقدار صادرات خالص آمریکا (Net us Export) از مبلغ ۱۲۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ به ۱۱۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۳ کاهش یافته است. البته ناگفته نماند که اوضاع وخیم اقتصادی در کشورهای اروپایی به خصوص کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا که تحت عنوان (Europe Union) متحد شده‌اند و آنها نیز یک طرف دیگر تجاری با آمریکا می‌باشند، بر وضع آشفته و ناهنجار اقتصادی آمریکا اثر گذاشته است. مشابه این جریان با اختلاف فاحشی عیناً در سال ۱۹۲۷ در آمریکا رخ داد و باعث بروز بحران بزرگی در آمریکا شد به طوری که اکثر کمپانی‌های بزرگ آمریکایی ورشکست شدند و

شمار بی‌کاران آمریکایی از مرز ۱۵ میلیون تن تجاوز کرد و این خود باعث شد که رشد تولیدات صنعتی در آمریکا به ۶۷٪ تقلیل پیدا کند. با آغاز جنگ جهانی دوم اقتصاد را کد آمریکا افق روشنی را در برابر خود مشاهده کرد و روح تازه‌ای به کالبد نیمه جان اقتصاد این کشور دمیده شد.

این جنگ خانمان برانداز گرچه طبعاً برای اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان جز فلاکت و بدبختی توأم با مرگ حاصلی نداشت، اما موجب شد طی سالهای ۱۹۳۹ لغایت ۱۹۴۲ میلادی حجم تولیدات صنعتی آمریکا در مورد صنایع نظامی از ظرفیت صد درصد نیز فراتر رود و در همین راستا

(Panik) برای کشاندن عالم بر لبه پرتگاه جنگ و بهره‌برداری اقتصادی از بیم ناشی از وقوع جنگ استوار بوده است، کما این که وقوع جنگ تحمیلی عراق علیه کویت موجب گشایش عظیم در بازار خرید تسلیحات نظامی از زرادخانه‌های انباشته شده آمریکا شد و در همین زمان بود که بعضی از کشورهای منطقه به علت ترس از اینکه مبدا دامنه این جنگ به کشور آنها نیز سرایت کند، برای عقد قرارداد خرید ادوات جنگی از آمریکا با یکدیگر به رقابت پرداختند. اصولاً «جنگ» سه مؤلفه نوین و اساسی اقتصاد آمریکا را تشکیل می‌دهد، به این قرار: اول - افزایش ظرفیت صنعتی یا در



منحنی رشد تولیدات کالاهای اساسی آمریکا در سالهای اختتامی جنگ به میزان بالاترین ظرفیت خود یعنی صد درصد قبل از وقوع جنگ سیر صعودی طی کرد. با این تفاسیل اقتدار مالی و صنعتی آمریکا در سرتاسر گیتی بلارقیب شد و در پرتو همین شرایط، آمریکا توانست جای اروپایی را که بعد از جنگ جهانی دوم دارای اقتصاد کاملاً ورشکسته‌ای شده بود بگیرد و به اصطلاح ما اقتصاددانان (اقتصاد دنیای آزاد) را اشغال کند. این جنگ ظالمانه تعادل قوا را در تمام دنیا به نفع آمریکا و به ضرر کلیه کشورها به هم زد.

سیاست آمریکا همواره بر پایه ایجاد پانیک جهانی (Worldwide

عمومی) دگرترین آمریکانها از نظر دستیابی به (اقتصاد جهان آزاد) بر این اصل استوار است که کلیه کشورهای توسعه نیافته، بخصوص کشورهای جهان سوم باید ذخائر ارزی خود را صرف خرید کالاهای آمریکایی کنند.

جان اف کندی رئیس جمهور سابق آمریکا در تیز خود تحت عنوان «استراتژی صلح» نوشته است از هر یک دلاری که برای خرید شکر به کشور برزیل می‌پردازیم، برزیل ۹۹ سنت آن را از ماسکالاهای مورد نیاز خود را خریداری می‌کند.

## ضربه‌های که ژاپن را تکان داد

شکست عظیم آمریکا در صحنه اقتصادی از آن جا ناشی می‌شود که آمریکانها به علت غرور بیش از حد خود چنین می‌پندارند که صنایع و تکنیک آنها در جهان نسبت به دیگران برتری مطلق دارد و این اقتصاد جهانی است که به اقتصاد و تولید آمریکا نیازمند است. این غرور آمریکانها باعث شد که آنها برتری خود در صنایع فولاد و کشتی‌سازی را به مرور از دست بدهند. به طوری که اکنون برجمدار این صنایع دیگران هستند. بخصوص در صنایع کشتی‌سازی که کره جنوبی حرف اول را می‌زند. حتی ژاپنی‌ها نیز به علت بالا بودن نرخ برابری بین دلار و گران تمام شدن بهای ساخت کشتی، سفارشات دریافتی خود از سایر کشورهای جهان را عیناً به کره جنوبی سفارش می‌دهند.

ساختار اقتصادی و فرآیند توسعه بازرگانی آمریکا حاکم بر زور است و نسبت مستقیم با تجارت خارجی دارد. به همین لحاظ آمریکا سعی می‌کند طیف وسیعی از پایگاههای استعماری خود در سرتاسر دنیا را برای بوجود آوردن بازارهای جدید یا حفظ بازارهای موجود خود فعال نگهدارد. همین سیاستها بود که به ژاپن درس عبرت داد، و این کشور را از خواب غفلت بیدار کرد. زیرا در سال ۱۸۵۵ چند فروند کشتی آمریکایی ۳ بندر ژاپنی را اجباراً به روی تجارت خارجی خود گشودند و در پی آن کشورهای روسیه،

واقع افزایش پتانسیل تولید بخصوص تولیدات ساز و برگ نظامی در تمامی کارخانجات متعلق به جنگ.

دوم - بوجود آوردن سهم بسیار قابل توجهی متعلق به دولت در امر تولید. و بالاخره سوم اهمیت دادن به بسیج مسردمی در صنایع و ارتش در مراسم غولهای اقتصادی آمریکا (کارتلها و تراستها) با در نظر گرفتن این مهم که تنها وجه اشتراک آنها سود است.

تصور آمریکانها بر این باور استوار است که منابع طبیعی، ثروت خدادادی و خلاقتهای انسانی فقط و فقط برای بدست آوردن منافع مالی در اختیار آنها قرار گرفته است. براساس همین باور و برای تأمین نیازهای عمومی جامعه (مالیه

## آمریکا مترصد است به ژاپن نیش بزند

است. اکنون با توجه به مازاد حجیم ژاپن در تراز بازرگانش با آمریکا و جهان ایالات متحده تلاشی بی‌وقفه را دنبال می‌کند تا بازارهای ژاپن را بی‌هیچ محدودیتی به روی کالاهای خود بگشاید. اما ژاپن در برابر این تلاش سرسختانه مقاومت می‌کند.

و ناگفته نماند که افزایش نرخ ین در برابر دلار معرف برتری اقتصادی ژاپن

اخیراً مستعفی شد) در اجلاس خود با بیل کلینتون رئیس جمهوری آمریکا به پیشنهادات وی در زمینه‌های اقتصاد از موضع قدرت جواب منفی داد. از همین رو باید دانست آمریکا اکنون مثل یک مار زخمی مترصد فرصتی است که یک بار دیگر به ژاپن نیش بزند.

آمریکا، ژاپن را متهم به عدم اجرای تعهدات خود در زمینه پائین آوردن

رفتند و در بازگشت تحولی عظیم در ساختار فرهنگی ژاپن ایجاد کردند. همان تحول فرهنگی موجب شد که علی‌رغم شکست در جنگ جهانی دوم اینک ژاپن با آن که از نظر وسعت حتی نصف کشور آلمان مساحت ندارد، مجهز به مدرن‌ترین و پیشرفته‌ترین صنایع جهان باشد.

علاوه بر این هم اکنون ما شاهد این

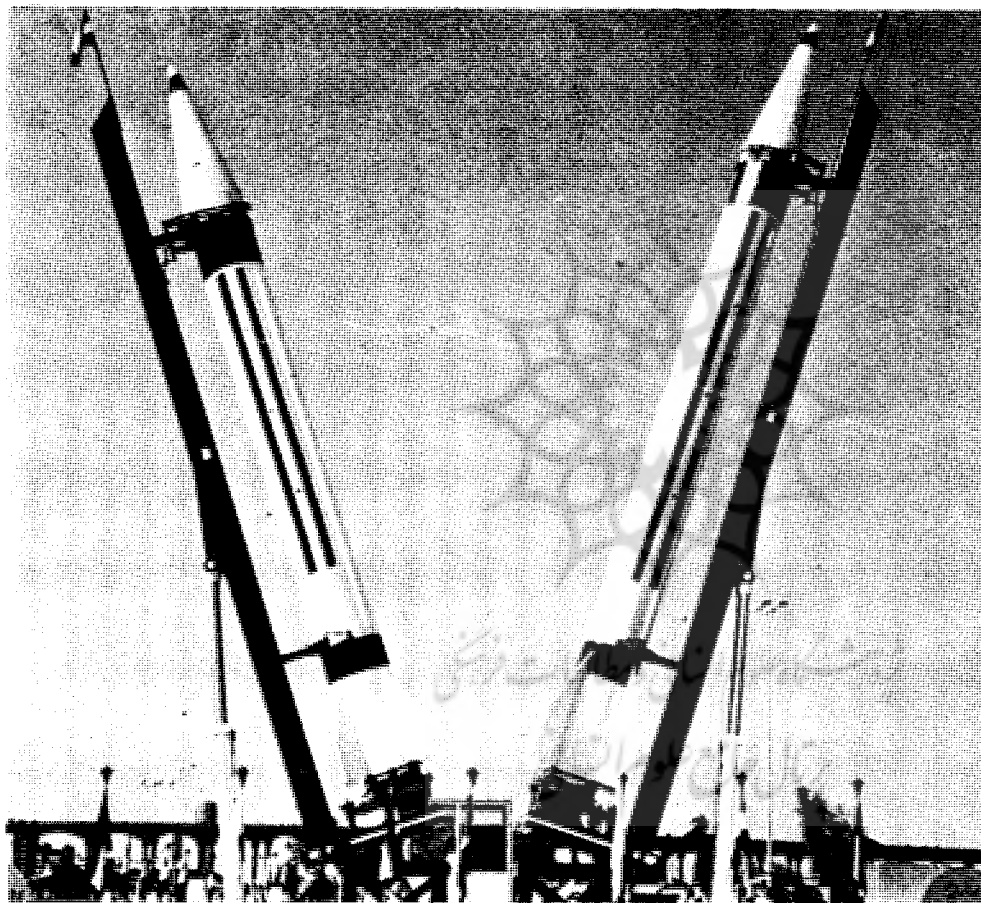
انگلیس و آلمان نیز حق تجارت خارجی در آن سرزمین را به دست آوردند.

بیداری ژاپنی‌ها و غرور ملی آنها موجب ایجاد یک انقلاب عظیم در سال ۱۸۶۸ شد. گرچه این انقلاب توسط فرماندهی کسل نیروهای ژاپن و به تحریک دولتهای استعماری وقت به خاک و خون کشیده شد، اما بهر تقدیر همین انقلاب باعث بیداری و استمرار قیام ژاپنی‌ها شد. ژاپنی‌ها که تا آن زمان تحت لوای نوعی ملوک‌الطوایفی زندگی می‌کردند دریافتند پیروزی انقلابشان منوط به وجود یک رهبری قاطع است و لذا رهبری انقلاب را به امپراتور وقت ژاپن (موتسومیتو) که با ملت همگام و یک دل و یک صدا بود محول کردند و هم او بود که به صورت معمار تجدید بنای اقتصادی ژاپن در آمد. این معماری باعث تبدیل ژاپن به یک قدرت جهانی و شرکت آن در جنگ جهانی دوم شد. ژاپن در این جنگ شکست خورد و اقتصادش متلاشی گردید.

وقتی ژاپنی‌ها بعد از سال ۱۹۴۵ متوجه شدند که برای تأمین منابع ارزی چاره‌ای جز صادرات ندارند، به فکر افتادند که چگونه می‌توانند کالاهای خود را به بازار دیگر کشورها صادر کنند. بررسی‌ها به آن‌ها نشان داد که افزایش کیفیت تنها راه موفقیت است و برای افزایش کیفیت کالا باید در فکر پرورش «انسان با کیفیت» (Quality Human) باشند.

ژاپنی‌ها هنوز هم این طرز تفکر را که انسانی کیفی، کار با کیفیت انجام می‌دهد حفظ کرده‌اند (برعکس کشور ما که بعضاً خلاف این را باور دارند و گمان می‌کنند که اگر دنبال کیفیت بروند حتماً اجناس تولیدی آنها گرانتر تمام خواهد شد). در این جا لازم است بار دیگر به اوضاع ژاپن قبل از جنگ جهانی دوم اشاره کنیم.

بعد از انقلاب ۱۸۶۸، گسیل دانشجویان ژاپنی به اروپا و آمریکا توسط دولت ژاپن برای فراگرفتن فنون نظامی، مهندسی، علوم، اقتصاد و غیره آغاز شد. در دهه ۱۸۷۰ این دانشجویان با این وصیت دولتمردان ژاپنی که (صدف به بلعید و مروارید قی کنید) به خارج



... سیاست آمریکا همواره بر ایجاد پانیک جهانی برای کشاندن عالم بر لبه پرتگاه جنگ و بهره‌برداری اقتصادی از بیم ناشی از وقوع جنگ استوار بوده است.

نسبت به حجم معاملات آن بسر آمریکاست. و همین بالا بودن نرخ برابری ین به دلار آمریکا است که تراز پرداختهای خارجی ژاپن را مازاد بخشیده و ژاپن توانسته است به عنوان کشوری که دارای عظیم‌ترین ذخائر ارزی است اعلام وجود نماید و در میدان نبرد اقتصادی با آمریکا برنده شود.

ترفعه‌ها در خاتمه دور مذاکرات اروگوئه راجع به گات (GATT) که در ژنو تشکیل شده بود می‌کند، اما همگان می‌دانند که ژاپن در سایه آگاهی علمی بالای متخصصان خود و بوجود آوردن نظام صحیح مدیریتی، و نیز در سایه کار خستگی‌ناپذیر (روزی ۱۲ ساعت) مردمش در رده نخست کشورهای پیشرفته و صنعتی جهان جای گرفته

واقعیست هستیم که این کشور دارای بزرگترین ذخائر ارزی جهان است (میزان این ذخائر در حال حاضر از مرز صد میلیارد دلار نیز گذشته است) اکنون بر جهانیان به وضوح روشن است که در میدان نبرد اقتصاد این ژاپن است که گوی سبقت را از تمام کشورهای جهان ربوده است. هوسوکاوا نخست وزیر ژاپن (که